

تأثیر سیاست‌های امیر فخرالدین دوم معنی (حک: ۹۹۳-
۱۰۴۳ق) بر رویکرد عثمانیان در رویارویی با شیعیان و دروزیان
شام در دوره جانشینانش (۱۰۴۳-۱۰۷۸ق)

مریم جمالی^۱ و قدریه تاج‌بخش^۲

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۳۱

چکیده

معنیان دروزی از جمله حکومت‌های محلی دست‌نشانده‌ای بوده‌اند که تحت حمایت عثمانیان سیاست‌های ضد شیعی گسترده‌ای را در مناطق شیعی نشین شام در پیش گرفتند و بیش از همه امیر فخرالدین دوم به واسطه حملات مستمر بدانجا شهره شد؛ این مقاله با استفاده از روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و اسنادی و روش پژوهش تبیین کارکردی، بدین نتیجه دست‌یافته که فخرالدین دوم جهت کسب رضایت عثمانیان سیاستی تفرقه‌افکنانه و سرکوب‌گرانه در مقابل شیعیان برگزید و برای دستیابی به استقلال لبنان نیز به سرنگونی عثمانیان اندیشید. در فرجام، وی به دلیل اقداماتی بر ضد عثمانیان نه تنها از قدرت کنار نهاده شد، بلکه باعث تغییر سیاست عثمانیان در دوره‌های دیگر، از دوستانه و روادارانه به خصمانه نسبت به دروزیان و تشدید فشارها بر شیعیان گردید؛ چاره‌اندیشی‌های عثمانیان برای جلوگیری از اتحاد دو گروه اخیر و در نتیجه، جنگ همه‌جانبه با آنان از جمله این سیاست‌ها بود که به سقوط معنیان و بازیابی قدرت عثمانیان در مناطق شیعی و دروزی نشین شام انجامید.

کلیدواژه‌ها: شام، عثمانیان، شیعیان، دروزیان، فخرالدین دوم معنی، خودمختاری سیاسی، جانشینان فخرالدین دوم.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، قزوین، ایران
maryamjamali7576@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۶

۲. * استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، قزوین، ایران.

tajbakhsh@isr.ikiu.ac.ir

مقدمه

پیشینه حضور شیعیان در شامات به صدر اسلام بازمی‌گردد. جوامع محلی شیعی در شام در دوره‌های گوناگون شاهد فشارها و سخت‌گیری‌های حاکمان سنی بوده‌اند. برای نمونه، در دوران ایوبی و مملوکی در برهه‌هایی کارچندان بر شیعیان دشوار گشت که آنان ناگزیر به تقیه و گاه حتی روی‌گردانی اجباری از تشیع شدند. شماری نیز از سکونتگاه‌های‌شان در کسروان، جبیل، طرابلس، بیروت، صیدا، جبل‌عامل و توابع آواره گشتند. عثمانیان نیز سیاست مذهبی دو حکومت سلف را پیشه کرده و با هدف وصول بدین مقصود، خاندان‌های محلی غیر شیعی از جمله آل‌معین/معنیان^۱ دروزی مسلک (حک: ۹۱۲-۱۰۷۸ق) را به نیابت بر بخش‌های مهم شام مسلط ساختند. اگرچه امیران معنی برای بهبود اوضاع اقتصادی-اجتماعی قلمرو خویش در جبل دروز/شوف^۲، جبل‌عامل، جبل‌لبنان، بعلبک و بقاع گام‌های ارزشمندی برداشتند، اما وجود گزارش‌هایی درباره مهاجرت شیعیان و کاهش سکنه مناطق شیعی نشین مذکور، نشان از ناکامی سیاست‌های‌شان در زمینه‌های دینی-مذهبی دارد.

پژوهش حاضر در پی بررسی اوضاع دینی سراسر دوره معنیان از آغاز تا فرجام نیست، بلکه ضمن ارائه گزارشی درباره اقدامات امیر فخرالدین دوم معنی (حک: ۹۹۳-۱۰۴۳ق)

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۳۲

۱. برای آگاهی از تاریخ و چگونگی ظهور معنیان در مناطق شیعی نشین و شوف/جبل‌دروز و دیگر مناطق دروزی‌نشین، نک: شهابی، ۱۹۹۳، ج ۳، ص ۷۳۸-۷۴۰؛ شدیاق، ج ۱، ق ۲، ص ۱۸۷، ۲۳۵، ۲۹۳؛ ابن‌حمصی، ۵۶۹، ۵۷۵؛ دویهی، ۲۸۴؛ معلوف، ۱۹۶۹، ص ۴۲؛ قرالی، ۱۹۳۷، ج ۱، ص ۱۳؛ نیز احدب، ۱۹۷۳، ص ۲۱-۲۳.

۲. شوف به علت واقع شدن در ساحل دریای مدیترانه و نیز عبور رود دامور از شمال و جنوب آن از دیرباز بسیار اهمیت داشته است (رعد، ۲۵۹؛ برای اطلاع بیشتر از حدود جغرافیایی آن نیز نک: اطلس جامع جهان تایمز، نقشه لبنان). از مهم‌ترین شهرهای آن بیت‌الدین، مرکز کنونی شوف و بعلقین، مختاره و دیرالقمر، مراکز پیشین آن در دوره‌های معنیان و شهابیان، بوده است. بخش اعظم جمعیت شوف را نخست، دروزیان (ابی‌حلقه، ۱۸۰؛ نیز حتی، ۱۹۵۹، ص ۳۲۲) و سپس، مارونیان، اهل سنت و شیعیان تشکیل می‌دهد (صلیبی، ۱۹۹۱، ص ۱۵، ۱۶، ۲۰؛ همو، ص ۱۱۸).

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۳۳

برای کسب خودمختاری لبنان و نیز مواضعش با عثمانیان و شیعیان، به تاثیر عملکردهای آن بر سیاست‌ها و موضع حکومت عثمانی در مقابل خاندان‌های شیعی جبل عامل، جبل لبنان، بعلبک و بقاع و دروزیان در دوره جانشینانش یعنی دوران احمد معنی تا سقوط معنیان (۱۰۴۳-۱۰۷۸ق) خواهد پرداخت. در تحولات تاریخی این دوره یعنی سده دهم تا یازدهم هجری، وقایع از سه جهت مهم می‌نماید؛ نخست، اختلافات خاندان‌های شیعی مناطق مذکور با یکدیگر. دوم، اتحاد آنان با یکدیگر در برخی برهه‌های تاریخی و با مارونیان. سوم، مهاجرت شمار عظیمی از مارونیان به سکونت‌گاه‌های شیعیان به‌ویژه به کسروان و آوارگی شیعیان از آنجا و دیگر مناطق زادگاه‌شان. این تحولات که در دوره امیر فخرالدین دوم بافت جمعیتی و زیربنای سیاسی - اقتصادی و اجتماعی روستاها و شهرهای شیعی نشین جبل - عامل، جبل لبنان، بعلبک و بقاع را دیگرگون ساخته، ظاهراً با اهداف سیاسی - مذهبی و هدایت پشت پرده عثمانیان انجام گرفته است. شایان ذکر است مقصود از سیاست^۱ «هر گونه راهبرد، روش و مشی برای اداره امور و حفظ سلطه» و یا به دیگر سخن، «استفاده از روش‌ها، فنون، ابزارها و نهادهای قدرتمند برای حکومت‌داری» است که توسط مقامات حکومتی عثمانی اعمال شد. بی‌گمان «حاکم کردن نوعی نظم سیاسی - اجتماعی»، روح حاکم بر این اقدام و «شیوه‌ای برای اعمال قدرت» بوده است.

این مقاله، با استناد به گزارش‌های «صَفدی (م. دوازدهم هجری)^۲»، «امیر حیدر شهابی

۱. سیاست در لغت به معانی مختلفی از جمله محافظت و پاسداشت مُلک، فرمانروایی بر رعیت، ریاست، اداره، تدبیر، تنبیه، مجازات و حکومت کردن به کار رفته (دهخدا، ج ۹، ص ۱۳۸۵-۱۳۸۶) و در اصطلاح بر هر گونه راهبرد، روش و مشی برای اداره یا به‌کرد امور اطلاق شده است (آشوری، ص ۲۱۲؛ طلوعی، ص ۵۷۸).

۲. صفدی از معتمدان امیر فخرالدین دوم معنی بود و در تاریخش که به تاریخ الامیر فخرالدین المعنی/ لبنان فی عهد الامیر فخرالدین المعنی الثانی شهره شده، به تدوین وقایع عینی که خود در برخی از آنها شرکت داشته و یا از راویان ثقة شنیده بود، پرداخته است. به تصریح مقدمه کتاب، وی آن را به خواست امیر فخرالدین درباره وقایع ۱۰۲۱-۱۰۳۴ق نگاشته است و به علت گزارش مناسبات امیر با پاشاهای

(۱۱۷۴-۱۲۵۱ق)^۱، یازجی (۱۲۱۵-۱۲۸۸ق)^۲، شدیاق (۱۲۱۸-۱۲۷۸ق)^۳، بازیلی

عثمانی شام، درگیری‌های طوایف شام با عثمانیان و نیز اشاره به بسیاری از زوایای نهان و آشکارای حوادث این دوره ارزشمند می‌نماید (رستم و بستانی، مقدمه تاریخ الامیر فخرالدین المعنی، ح، ط، ی، ۳).
۱. امیرحیدر از شهابیانی بود که در دوره عثمانیان بر اثر شایستگی به برخی مهم‌آداری و نظامی در شوف و دیگر نقاط لبنان دست یافت. وی در اثر ۳ جلدی سالشمارش نام غُرر الحسان فی التواریخ حوادث الأزمان (لبنان فی عهد الامراء الشهابیین) به اخبار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و گاه حوادث طبیعی مناطق مختلف لبنان، فلسطین، شام و سایر نقاط شرق ادنی/ نزدیک پرداخته و روابط شامات با دول اروپایی را از نظر دور نداشته است. اطلاعات امیرحیدر در جلد‌های دوم و سوم که خود شاهد عینی وقایع سال‌های ۱۱۰۹-۱۲۵۱ق یعنی، مناسبات و شورش‌های دروزیان، شیعیان و مارونیان در شوف و دیگر نقاط لبنان بوده و نیز مشتمل بر شماری از مذاکرات محرمانه، فرمان‌های رسمی و مکاتبات وی با والیان عثمانی جبل لبنان و جز آن می‌باشد، بس مهم می‌نماید (همان، مقدمه الغُرر الحسان، ه، ر، ح، ی، یب).

۲. یازجی از جمله مورخان دوره عثمانی بود که به دلیل علاقمندی به تاریخ کتابی را با عنوان رساله تاریخیه فی احوال جبل لبنان الاقطاعی، در دوره‌ای ۱۲ ساله به رشته تحریر درآورد. این اثر به دلیل پرداختن به آداب و رسوم، شیوه مرسوم مکاتبات، عادات مجامله، خاندان‌های مقطع محلی شام، اعتقادات دینی-مذهبی و تقسیمات مختلف قومی-دینی جامعه جبل لبنان از قبیل قیسی، یمنی، جنبلاطی، یزبکی و جز آن منبعی مهم به شمار می‌رود (غنم و باشا، مقدمه رساله تاریخیه فی احوال جبل لبنان الاقطاعی، ص ۷-۹).

۳. شدیاق به دلیل خوش خدمتی به شماری از امرای محلی عثمانی شام مناصب مهم و محرمانه‌ای یافت. او بسیاری از درگیری‌های طایفه‌ای دروزیان، شیعیان و مارونیان در شوف تا زمان تقسیم جبل لبنان به چند قائم مقام را درک کرد و کتاب سالشمار سه بخشی خویش با نام اخبار الاعیان فی جبل لبنان را بدان اختصاص داد. به رغم ارایه اطلاعات ارزشمندی درباره جغرافیا، دروزیان، مارونیان، شیعیان و مسلمانان لبنان و نیز نسب‌های بزرگان و مشایخ آنان در بخش‌های نخستین و دوم کتاب، مؤلف تمرکز خویش را بر تبیین وقایع مرتبط به خاندان‌های حاکم بر جبل لبنان در دوره عثمانی قرار داده است و بخش اخیر به دلیل ارایه آگاهی‌های مهمی که مؤلف در آنها به «سمع و عیان» خود تکیه کرده، حایز اهمیت می‌نماید (بستانی، مقدمه اخبار الاعیان، ب، ج، د).

(۱۲۲۴-۱۳۰۲ق)۱، ابکاریوس (؟-۱۳۰۳ق)۲ و حتونی (متوفی سده سیزدهم هجری)۳، تدوین شده است. داده‌های تاریخی و یادداشت‌های این مورخان دروزی یا مارونی به دلیل حضور در دستگاه‌های حکومتی عثمانی و مشاهده عینی وقایع شام بس ارزشمند می‌نماید. آنان بسیاری از منازعات دروزیان، مارونیان و شیعیان با یکدیگر و با امرای محلی عثمانی شام، مهاجرت‌های آنان و دیگر حوادث را به چشم دیده‌اند و از این رو، آثارشان از مهم‌ترین منابع برای بررسی اوضاع دروزیان، مارونیان و شیعیان شام به‌ویژه خاندان‌های شیعی جبل-عامل، جبل لبنان، بعلبک و بقاع در دوره سلطه عثمانیان بر مصر و شام بوده است. این پژوهش بر پایه منابع فوق و دیگر منابع معتبر به این سوال پاسخ خواهد داد که: اقدامات امیر

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۱. بازیلی در خانواده‌ای آزادی‌خواه و وطن‌دوست پرورش یافت و به دلیل هدایت قیام‌هایی از سوی پدر بزرگ و پدرش بر ضد عثمانی‌ها و تعقیب توسط قوای حکومتی ناگزیر از اراضی عثمانی گریختند. وی پس از نجات جان، بعدها اسناد و اطلاعات عینی خود و دیگر شواهد عینی را از ۱۲۵۶ق در کتابی با عنوان سوریا و لبنان و فلسطین تحت الحکم التركي من الناحیتین السیاسیه و التاریخیه جمع‌آوری و چاپ کرد؛ این کتاب به‌ویژه از نظر منازعات و کشتارهای خونین دروزیان، شیعیان و مارونیان مهم می‌نماید (نسکایا، مقدمه سوریا و لبنان و فلسطین تحت الحکم التركي، ۱۹۸۸، ص ۱۶؛ بازیلی، ۱۹۸۸، ص ۳۸).
۲. ابکاریوس از ارمنیان زاده بیروت بود که دوره ابراهیم پاشا در شام را درک کرده و از این رو، کتابش نوادر الزمان فی وقایع جبل لبنان به دلیل اشتمال بر تاریخ لبنان و بلاد شام تا پایان سده چهاردهم هجری حایز اهمیت است، به‌ویژه آن که یک فصل کامل را به همه جوانب مناطق جبل لبنان از قبیل دینی، اجتماعی و قومی و حتی چگونگی نفوذ مصریان و دول استعماری اروپایی به شام و لبنان و پیامدهای آن برای حکومت عثمانی اختصاص داده است (سمک، مقدمه نوادر الزمان، ص ۵-۷، ۱۲-۱۳).
۳. از تاریخ اتمام تالیف کتاب نبذه تاریخیه فی المقاطعه الکسروانیه که در ۱۳۰۲ق اتفاق افتاده، برمی‌آید حتونی در سده سیزدهم می‌زیسته است. این اثر در زمره منابع مهم به‌ویژه درباره مارونیان و شیعیان در دوره‌های معنیان و شهابیان تا زمان وضع قانون «متصرفیه» در جبل عامل، کسروان و شوف به شمار می‌رود و صداقت و تواضع مورخ و اشاره به منابع مورد استفاده و نیز تکیه بر دیده‌ها به هنگام گزارش وقایع بر ارزش کتاب افزوده است (مقدمه نبذه تاریخیه، ص ۷-۸، ۱۱-۳۲۶).

فخرالدین دوم معنی برای کسب خودمختاری سیاسی و استقلال لبنان چه تاثیری بر سیاست‌ها و موضع حکومت عثمانی در مقابل دروزیان و خاندان‌های شیعی جبل عامل، جبل لبنان، بعلبک و بقاع در دوره جانشینان امیر فخرالدین دوم یعنی دوره احمد معنی تا سقوط معنیان (۱۰۴۳-۱۰۷۸ق) گذاشته و چه پیامدهایی را به دنبال داشته است؟

پیشینه تحقیق

درباره موضوع پژوهش حاضر پیشتر پژوهشی مستقل صورت نگرفته است، اما مطالعات انجام شده درباره اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شام و لبنان در سده‌های دهم تا یازدهم هجری آگاهی‌های مفیدی در این زمینه دارند و می‌توانند راهگشا باشند (نک: کتاب‌شناسی).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۳۶

دوره امیر فخرالدین دوم معنی و روابط وی با عثمانیان و شیعیان

فخرالدین دوم، (حک: ۹۹۳-۱۰۴۳ق) پس از پدرش، قرقماز اول معنی، به امارت معنیان دست یافت و توانست سیادت دروزیان قیسی را بازگرداند؛ وی از فرصت درگیری و

۱. به عنوان نمونه، برخی آثار همانند علاقه‌الأمیر فخر الدین المعنی الثانی بالزعامات المحلیه الفلستینیه و موقف الدوله العثمانیه منه اشاره کرد که در آن آسامه محمد أبونحل صرفاً به روابط امیر فخرالدین دوم معنی با حکام محلی فلسطین در خلال سالهای ۹۹۹ تا ۱۰۴۳ق پرداخته و نیز دیگری، مقاله ای اثر سماح معروف است تحت عنوان «الأمیر فخر الدین المعنی الثانی و دوره فی تاریخ لبنان الحدیث ۱۵۹۰-۱۶۳۵»، جامعه البعث، السنه ۲۰۱۸، مجلد ۴۰، العدد ۷، صفحه ۱۴۱-۱۶۴ که به ظهور معنیان، نسب امیر فخرالدین دوم معنی، سیاست داخلی و خارجی، تفاوت و مشخصه‌های حکومتداریش پرداخته است. با این که این دو اثر در مقاله اخیر مفید واقع شده اند، اما در آنها به تاثیر خودمختاری سیاسی امیر فخرالدین دوم معنی بر رویکرد عثمانیان در رویارویی با شیعیان و دروزیان شام در دوره جانشینان وی نپرداخته است.

۲. پیش از قدرت‌یابی فخرالدین دوم معنی در شوف/جبل دروز، خاندان‌های ذی نفوذ دروزی قیسی و یمنی شام از جمله، بَحْثَر، مَعْن، بنی جُنْبَلَاط، تَلْحُوق و تَنُوخِی از شاخه دروزیان قیسی و آل آرسلان، عَمَلَم

جنگ سلطان احمد اول عثمانی با صفویان برای گسترش قلمرو اش بهره جسته و در ۹۹۸ ق توانست سیطره اش را از شوف به جبل جنوبی که مشتمل بر العَرَب، جُرد، اَلْمَتَن و صیدا به جز بیروت و بلاد کسروان بوده، بگستراند. آن‌گاه در صدد استیلا بر بیروت و کسروان برآمد و آن را از زیر سیطره آل سیفای سنّی مذهب که هم پیمان عثمانیان بوده، به درآورد؛ با این همه، به علت عدم اتحاد طوایف مختلف دروزیان قیسی و یمنی در صفی واحد و درگیری-های مستمرشان با یکدیگر که عثمانیان به دلیل به خطر افتادن برخی منافع تجاری‌شان در دوره امیر فخرالدین اول (حک: ۹۱۲-۹۲۲ ق) محرک اصلی آن بودند (ابن حمصی، ص ۵۶۹، ۵۷۵؛ نیز احدب، ۱۹۷۳، ص ۲۱-۲۴؛ بولس، ۱۹۷۲، ص ۳۲۲؛ صلیبی، ۱۹۸۹، ص ۳۴-۳۵)، ناگزیر از آل عَسَافِ سنّی که رقیب سیاسی آل سیفا بوده، برای شکست آل سیفا بهره جست. سرانجام، وی پس از پیروزی بر یوسف سیفا در ۱۰۱۴ ق بر مناطق تحت سلطه آل سیفا دست یافت، اما این امر یک پیامد نامطلوب داشت و آن این‌که، منجر به انتقال تدریجی قدرت تنوخیان مسلمان به طایفه مسیحی مارونیان و مهاجرت‌های گسترده آنان به نقاط مذکور و جبل شوف شد (قرالی، ۱۹۳۷، ص ۳۶)؛ چه، امیر فخرالدین برای یارگیری سیاسی ناگزیر به مارونیان روی آورد و از این رو، بسیاری از اراضی روستاهای دروزیان را که در اثر حملات عثمانیان مهجور و متروک مانده بود، در ۱۰۲۳ ق به آل خازن مارونی واگذار و آنان را به مهاجرت بدین مناطق تشویق کرد، تا بدان‌جا که بدیشان اجازه ساخت کنیسه را برای انجام مناسک مذهبی‌شان داد. نظر به مهارت بسیار مارونیان در تولید ابریشم و از جمله، آل خازن که در شمار تولیدکنندگان آن بودند، این مهاجرت، کشت و تولید ابریشم را در جبال کسروان و شوف به دنبال داشت و از این رو، خاندان خازن نقش مهمی در ثبات و قدرت

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

الدّین، اَبی لَمَع، عبدالمملک، عماد و اَبی نکدِ یمنی، با یکدیگر رقابت بسیار داشتند. گزارش‌های ابکار یوس نشان داده است که عثمانیان پس از دست‌یابی به شام و از جمله جبل دروز، با هدف تثبیت سلطه خویش رقابت‌های خصمانه‌ای را میان آنان آغاز کردند و صرفاً فرصت قدرت‌یابی به خاندان‌های دروزی مطیع خویش را دادند. به گفته وی «والیان شام مطیع و منصوبین وزیر حکومت عثمانی بودند که بر ایالت صیدا حکم می‌راند. وی هر که را می‌خواست عزل و یا نصب می‌کرد!» (ابکار یوس، ص ۸۳-۸۴؛ یازجی، ص ۱۱-۱۵، ۴۵-۵۰).

اقتصادی و نیز ایجاد امنیت و قدرت نظامی فخرالدین در قلمروش ایفا کردند؛ چه، به تقریب ۲۰ هزار مبارزِ مارونی بارها تحت فرماندهی امیر معنی بر ضد عثمانیان جنگیدند. از آن جمله، در نبرد وی با ابراهیم پاشا- والی عثمانی مصر- در ۹۹۳ق که پیروزی درخشانی را برای امیر فخرالدین به ارمغان آوردند(قرالی، ۱۹۳۷، ص ۳۸؛ همو، ۱۹۳۸، ج ۲، ص ۷۰). استفاده فخرالدین از مارونیان بدین امر منحصر نشد بلکه، وی از روابط مستحکم کنیسه‌های مارونی با کشورهای اروپایی از جمله شاه توسکانی بهره جسته و قراردادهایی با شاه توسکانی برای اعطای تسلیحات جنگی در ضدیت با عثمانیان منعقد کرد(همو، ۱۹۳۸، ج ۲، ص ۲۶۶).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۳۸

این دوره از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی معنیان است؛ زیرا امیر فخرالدین برای برای کسب استقلال محلی و تشکیل لبنان بزرگ از زیر سلطه عثمانیان، سیاستش را بر پایه امنیت، شکوفایی اقتصادی و تسامح دینی- قومی بنا نهاده و برای دستیابی بدین مقصود، مناطق غربی، شرقی، جنوبی و برخی از نواحی شمالی لبنان را از چنگ پاشاهای عثمانی خارج ساخت. به علاوه، او با ساماندهی برید، بنای قلعه‌هایی در شوف و نیز انعقاد قراردادهایی تجاری با شماری از کشورهای اروپایی از جمله، اسپانیا، فرانسه و شاه توسکانی در اثنای سال‌های ۱۰۲۳-۱۰۲۷ق، ثبات، امنیت و شکوفایی اقتصادی را در قلمرو خویش ایجاد کرد(بازیلی، ۱۹۸۸، ص ۵۱-۵۲). در پی این تلاش‌ها و نیز تسامح دینی- قومی وی، موج گسترده‌ای از مارونیان شمال لبنان به جنوب و از جمله، شوف دروزی نشین مهاجرت کرده و با دروزیان آنجا متحد شدند. شکل‌گیری اتحاد دروزی- مارونی و سلطه فخرالدین بر سراسر نقاط جبل لبنان سبب شد که وی به ایجاد خودمختاری سیاسی در جبل دروز و لبنان و ضدیت با عثمانیان بیاندهد و این مهم در سفری به ایتالیا ضمن انعقاد قرارداد محرمانه نظامی با شاه توسکانی، فردیناند اول، فراهم شد(شدیاق، ج ۱، ق ۲، ص ۲۴۹-۲۵۱؛ صفدی، ۱۹۶۹، ص ۲۰۸-۲۴۱؛ نیز بولس، ۱۹۷۲، ص ۳۲۲-۳۲۶؛ حتی، ۱۹۵۹، ص ۴۵۳، ۴۵۶-۴۵۹).

از سوی دیگر، فخرالدین در پی کسب نفوذ و اقتداری که به قوای مارونی و حامیان اروپایی‌اش تکیه داشت، سیاستی جاه‌طلبانه در برابر شیعیان اتخاذ کرد؛ وی برای تحکیم

سلطه سیاسی - اقتصادی مارونیان و تأمین بنیه مالی کلیسا، حدود یک چهارم از اراضی جبل لبنان را به مارونیان اختصاص داده و شیعیان را از آنجا بیرون راند. به علاوه، او برای گسترش جمعیت مارونیان و گروه بدانان در جبل لبنان به فعالیت‌های تبلیغی گسترده‌ای دست زد که منجر به ارتداد بسیاری از دین اسلام و در نتیجه، تضعیف مذهب تشیع شد (صفدی، ۱۹۶۹، ص ۱۳۳؛ کوثرانی، ۱۹۷۶، ص ۱۵-۲۲). افزون بر این، وی پس از بازگشت از اروپا در ۱۰۲۸ق، در ضدیت با شیعیان جبل لبنان، درّه بقاع، طرابلس و کسروان، پاسبانی از منافع هم‌پیمانان دروژی - مارونی‌اش و در نتیجه، تثبیت امارتش بر آن شد تا خاندان‌های شیعی را از مناطق تحت سلطه‌شان بیرون رانده و مارونیان را جایگزین آنان سازد (صفدی، ۱۹۶۹، ص ۱۶۱). به نظر می‌رسد وی با این اقدام هم در ظاهر جلب نظر عثمانیان را می‌جست تا جبل لبنان را از کف آنان به در آورد و هم می‌خواست قدرت سیاسی - نظامی‌اش را به توسکانی برای یافتن متحدی اروپایی نشان دهد؛ در نتیجه، وی سرزمین‌های شیعی نشین شام از جبل لبنان و درّه بقاع تا کسروان و طرابلس را نشانه گرفت و بیش از همه، به اراضی کشاورزی، منابع حیوانی و انسانی به‌ویژه بر درّه بقاع و صفد دست انداخت (قرالی، ۱۹۳۷، ص ۱۴۴-۱۴۵؛ صفدی، ۱۹۶۹، ص ۱۳۵؛ آل‌صفا، ۱۹۸۱، ص ۱۱۲). از خوش - اقبالی فخرالدین در این میان جنگ‌های صفویان با قوای عثمانی و دعوت شاهان صفوی از شماری از علمای عاملی برای تبلیغ مذهب تشیع جهت بسط هیمنه قدرت‌شان در مناطق شیعی شام، به سود وی و به تهدید موقعیت سیاسی - مذهبی عثمانیان انجامید (شدیاق، ج ۱، ص ۲۱۴؛ معلوف، ۱۹۶۹، ص ۷۵). زیرا، دولت عثمانی برای نظارت بر شیعیان ناگزیر بود به تقویت قدرت فخرالدین بپردازد. از این رو، آنان مناطق شیعی نشین جنوب شام یعنی صیدا و صفد، بیروت و کسروان را به امیرفخرالدین سپرده (شدیاق، ج ۱، ق ۲، ص ۱۹۳؛ دویهی، ۱۹۷۶، ص ۴۹۹؛ صفدی، ۱۹۶۹، ص ۴۴؛ قرالی، ۱۹۳۷، ص ۸۴) و تمامی تمهیدات سرکوبی خاندان‌های شیعی جنوب شام از جمله، حمله به شیعیان حرافشه در بقاع و بعلبک را فراهم کردند و نیز برای تسهیل قلع و قمع شیعیان طرابلس توسط فخرالدین، والیان عثمانی شام بارها میان طوایف شیعی طرابلس اختلاف افکندند (معلوف، همانجا؛ شدیاق، همانجا؛ صلیبی، ۱۹۹۱، ص ۱۶۵). تفرقه‌افکنی میان آل حرفوش با آل فریخ (محبی، ۱۹۷۰،

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

ج ۴، ص ۲۱۴، ۵۹۸)، آل‌سُودون و آل‌شکر با آل‌علی صغیر (دویهی، ۱۹۷۶، ص ۴۲۲؛ صفدی، ۱۹۶۹، ص ۴۰) و شیعیان جزین با کسروان (شدیاق، ج ۲، ص ۳۱۱) و حذف شیعیان جَبّه‌بشری به دست آل‌حرفوش (محبی، همانجاها) از آن جمله بود.

افزون بر این، امیر فخرالدین هم‌زمان با توسل به حربه‌هایی دیگر مثل تحمیل مالیات‌های سنگین بر شیعیان (شدیاق، ج ۱، ق ۲، ص ۱۹۳؛ دویهی، ۱۹۷۶، ص ۴۹۹؛ صفدی، ۱۹۶۹، ص ۴۴؛ حتّونی، ۱۹۷۸، ص ۹؛ نیز نک: شرف، ۱۹۹۶، ص ۳۰۶؛ زغیب، ص ۱۲)، اتهام بزرگان شیعی به رافضی‌گری یا قتل آنان از طریق همدستی با پادشاهای عثمانی شام (صفدی، ۱۹۶۹، ص ۱۵۰؛ محبی، ۱۹۷۰، ج ۳، ص ۲۹۵-۲۹۹-۳۰۱؛ معلوف، ۱۹۶۹، ص ۱۸۱؛ نیز نک: ماریتی، ۱۹۹۵، ص ۱۴۳)، قطع راه ارتباطی بیروت به دیگر نقاط شیعی‌نشین و اسکان طوایف سنی در سکونت‌گاه‌های شیعیان (قرالی، همان، ۸۴؛ نیز نک: فوستنفلد، ۱۹۸۱، ص ۱۵۱؛ زین، ۱۹۸۸، ص ۲۲۹)، عرصه را بر شیعیان بیش از پیش تنگ کرده تا از این طریق، سلاطین عثمانی را خشنود و موقعیت سیاسی خویش را در شام تثبیت سازد.

با این همه، دیری نپایید به علّت آگاهی عثمانیان از اقدامات محرمانه اخیر امیر فخرالدین دوم در ضدّیت با آنان، شوف دیگر بار ناامن شد و رونقش را از دست داد و تلاش‌های امیر یونس که به نیابت از پدر برای کنترل امنیت شوف گماشته شده بود، بی‌ثمر ماند. چه، پادشاه عثمانی دمشق در پاسخ به این اقدام امیر فخرالدین دوم از سه سو معنیان را در تنگنا قرار داد؛ نخست: از طریق ایجاد اتّحادی میان امیران اقطاع‌دار رقیب آل‌حرفوش شیعی با دیگر خاندان‌های شیعی جبل‌لبنان بر ضدّ معنیان. دوم: جلوگیری از کشاورزی ساکنان شوف بر اراضی زراعی برای ایجاد ناامنی اقتصادی (شدیاق، ج ۲، ص ۸۷؛ بازیلی، ۱۹۸۸، ص ۵۲-۵۳؛ نیز احذب، ۱۹۷۳، ص ۱۳۵) و سوم: حملات نظامی پادشاه عثمانی دمشق به روستاهای جبل‌دروز از سال‌های ۱۰۲۲-۱۰۲۳ ق و قتل، غارت و سوزاندن بخش‌های مختلف آن برای رواج بی‌ثباتی سیاسی-اقتصادی و اجتماعی در قلمرو امیر فخرالدین

۱. خاندان سودون از دوره ممالیک بر بلاد بَسّاره و پس از زوال قدرت آل‌فریخ، بر سراسر جبل‌عامل دست یافته و این امر به مدد تدبیر علمایی مثل شیخ حسین بن علی میسی میسر شد (دویهی، ۴۲۲).

(شدیاق، ج ۲، ص ۵۹-۶۱؛ مجهول المولّف، ۵۱-۵۵؛ نیز احذب، ۱۹۷۳، ص ۹۴-۹۵). در فرجام، حکومت عثمانی دودده بعد در ۱۰۴۳ق با هدف انتقام‌گیری از فخرالدین و ضربه زدن به جایگاه حامیان دروزی قیسی وی، پایتخت دروزیان را از بعقلین به دیر القمر منتقل کرده و سپس، به سلطه امیر فخرالدین پایان داد و حکومت بازماندگانش را نیز به بخش کوچکی از شوف محدود ساخت (شدیاق، ج ۱، ص ۲۸۹-۲۹۴؛ صفدی، ۱۹۶۹، ص ۲۰۸-۲۰۹، ۲۴۱، ۲۴۴-۲۴۹؛ مجهول المولّف، ۱۹۷۱، ص ۶۵-۶۸؛ نیز حتّی، ۱۹۵۹، ص ۴۵۹).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

دوره احمد معنی تا سقوط خاندان معنی و روابط آنان با عثمانیان و شیعیان

پس از زوال حکومت امیر فخرالدین دوم معنی تا جایگزینی شهبان به قدرت، جبل-لبنان، جبل دروز/ شوف و سراسر لبنان حدود هفت دهه دستخوش ناامنی و آشفتگی‌های ناشی از سیاست‌های عثمانیان برای ایجاد درگیری میان طوایف مختلف دروزی معنی با یکدیگر و نیز با طوایف مختلف شیعیان و مارونیان برای دستیابی به قدرت بود (شدیاق، ج ۲، ق ۲، ص ۱۱۳-۱۱۵، ۱۱۷؛ نیز نک: حتّی، ۱۹۵۹، ص ۴۶۸-۴۶۹). شیعیان در این دوران به نیکی از شرایط بهره برده، توانستند سلطه خویش بر جبل عامل را به روزگار قبل از امارت امیر فخرالدین دوم بازگردانند؛ چه، در پی مرگ امیر فخرالدین دوم، عثمانیان برای انتقام‌گیری از طوایف دروزی قیسی معنی که امیر فخرالدین را بر ضدشان یاری داده بودند، سیاست خویش را تغییر داده و به حمایت از امارت امیر علی علم‌الدین که دشمن معنیان قیسی و رئیس دروزیان یمنی بود، برخاستند و این امر به دروزیان یمنی برای تفوق بر قیسیان و در نتیجه، سلطه بر جبل لبنان فرصتی دوباره داد. با این همه، غلبه دروزیان یمنی ناپایدار بود و زود هنگام میان خاندان امیر علم‌الدین معنی یمنی با دروزیان معنی شاخه قیسی به مدت دو سال جنگ‌های درون‌خاندانی در گرفت (شهابی، ۱۹۹۳، ج ۲، ص ۳-۷؛ شدیاق، ج ۱، ص ۲۹۴، ۲۹۵). سرانجام، معنیان شاخه قیسی با امیر ملحم بن یونس، برادرزاده فخرالدین، (حک: ۱۰۴۵-۱۰۶۹ق) برای جانشینی امیر علی علم‌الدین و سپس، با احمد بن ملحم (حک: ۱۰۶۹-۱۱۰۹ق) توافق کردند و از این طریق، دیگر بار آرامش و امنیت را مقطعی به مناطق مذکور بازگرداندند؛ از برخی گزارش‌های تاریخی بر می‌آید که، امیر ملحم

به توصیه عثمانیان در ایجاد اختلاف میان معنیان دروزی دو شاخه قیسی و یمنی با یکدیگر و تضعیف قدرت آنان نقشی موثر داشته و حتی فرزندانش را بر گروش به مارونی تشویق می‌کرد و از این رو، با گذشت ایام بسیاری از امرا خاصه، امرای آل‌شهاب به مسیحیت گرویدند. در دوره امیر ملحم نیز دیگر بار شیعیان آل علی صغیر به امیر علی علم‌الدین معنی که از ترس وی به بلاد بشاره گریخته و بدیشان پناه داده بود، به وی در نبردهای واپسین کمک‌های بسیار کردند و این اقدام باعث دورویاری پر هزینه معنیان به فرماندهی امیر ملحم با شیعیان عاملی از جمله، آل علی صغیر در فواصل سال‌های ۱۰۱۷-۱۰۱۸ ق شد؛ نخست، حمله آنان به روستای شیعی نشین انصا‌العاملیه در نبردی مشهور به مَرَجُ الدَّجَاج در ۱۰۱۷ ق بود. این روستا از توابع بلاد سُومر بود که امیر علی علم‌الدین معنی در آن پناه گرفته بود. دوم، یورش به بلاد مِشغَرَه، کوثریه، عیناتا، بِنْتِ جُبیل، زَراریه و حُومین در ۱۰۱۸ ق بود که به رغم عدم مقاومت شیعیان در مقابل آنان، همه را از دم تیغ گذراندند (فقیه، ۱۹۴۷، ص ۱۷۶؛ درویش، ۱۹۹۳، ص ۱۵۱).

با این همه، شیعیان هرگز از پای نشستند و دو دهه بعد شیعیان آل حَمَّادَه بر ضد عثمانیان عصیان کردند و به همین دلیل، سلاطین عثمانی برای مقابله با آنان ولایت صیدا را به علی‌پاشای عثمانی واگذاشته و جبل عامل را تابع آن قرار دادند تا وی مستقیماً با هر گونه فعالیت و تحرکات سیاسی- مذهبی آنان برخورد نظامی کند. پس از این اقدام، نخستین درگیری میان آل علی صغیر و علی‌پاشای عثمانی در ۱۰۴۱ ق صورت گرفت و این قیام نیز با قتل بزرگ خاندان علی صغیر یعنی علی بن علی صغیر در خون نشست. با این همه، نه شیعیان مقاومت را به کناری نهادند و نه عثمانیان در مواضع خویش مدارا و رواداری کردند؛ چه، چهار سال بعد در ۱۰۴۵ ق شیعیان عاملی با عِدّه و عُدّه بسیار در صیدا به پا خاستند و عمّال عثمانی را از توابع آن بیرون کردند (فقیه، ۱۹۴۷، ص ۱۷۶-۱۷۷؛ نیز نک: درویش، ۱۹۹۳، ص ۱۵۱-۱۵۲). شدت و تعدد درگیری‌های آنان با پاشاهای عثمانی از ۱۰۴۵ ق تا ۱۰۴۷ ق به قدری زیاد بود که سرانجام، عثمانیان با هوشمندی در ۱۰۴۷ ق به احمد معنی برای حکومت و نیز نظارت بر جبل عامل اختیارات تام دادند تا به این غایله خاتمه بخشد؛ آنان وی را به عنوان مُلْتَرِم (مسئول گردآوری مالیات) در تمامی مناطق جبل عامل (به جز

بیروت و صیدا که زیر نظر و تابع «بیگلربیگ» صیدا بود) منصوب کردند تا از این طریق، عاملیان را به شدت تحت فشار قرار دهد. در فرجام، برنامه‌ریزی‌های عثمانیان به نیکی به ثمر نشست و امیر احمد معنی پس از ۷ سال تلاش مستمر، بر جبل دروز/ شوف، کسروان و جبل عامل دست یافت و با همدستی پاشای صیدا بر شیعیان عاملی در دو نبرد «التَّبْطِیْهِ فُوقَا» و «وادی کفور» که به ترتیب در سال‌های ۱۰۴۵ و ۱۰۴۶ ق اتفاق افتاد، چیره شد. از پیامدهای ناگوار این دو نبرد، استمرار جنگ‌ها میان معنیان و شیعیان تا ۱۰۷۶ ق، یعنی تا زمان مرگ احمد معنی و انقراض سلاله معنیان بود (شهابی، ۱۹۹۳، ص ۷۳۳؛ دویهی، ۱۹۷۶، ص ۵۵۰-۵۵۱؛ نیز فقیه، ۱۹۴۷، ص ۳۸۶).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

جنگ همه جانبه عثمانیان بر ضد شیعیان

در ۱۰۵۵ ق دولت عثمانی به فرماندهی حسن پاشا، والی عثمانی طرابلس، جنگی همه جانبه بر ضد شیعیان تمامی نقاط بقاع، جبل عامل و جبل لبنان به راه انداخت و به وادی-عَلَمَات و جَبَّه مَنَیْطَرَه که از سکونت‌گاه‌های آل حَمَّاد بود، حمله کردند و بسیاری از روستاهای شیعی نشین را سوزاندند. در مقابل، آل حَمَّاد نیز از عکس‌العمل باز نایستادند و شهرهای سَنَی نشین توابع جبیل و بلاد بَیْتْرُون را به آتش کشانیدند. عثمانیان در این جنگ از بزرگان خاندان‌های محلی معنی، شهابی، شیخ کَلِیْب، موسی علم‌الدین و همه عشایر و طوایف تحت امرشان و نیز واعظان و بزرگان دینی برای همراهی، کسب تایید این کار و دادن وجهه شرعی بدان استمداد جستند. به علاوه، در تمامی اعلان‌ها از والیان و پاشاهای شام و بزرگان دینی خواستند به این نبرد و قتل عام شیعیان جنبه شرعی دهند؛ آنان پس از حملات تادیبی به آل سِرْحَان و دیگر طوایف آل حَمَّاد، علّت را شرارت و دستبرد شیعیان به دارایی‌های قلمرو عثمانیان در شامات اعلام نموده و برای تشویق اهل سنت به پیوستن در صفوف جنگ، بدیشان چنین القا می کردند که، آنان «قزلباشان رافضی و دزدان ملعونی هستند که با رعایای دولت عثمانی بدرفتاری کرده و به مالیات ولایت طرابلس دستبرد زده‌اند. از این رو، جنگ با آنان به علّت تطهیر شدن زمین از فساد، واجب و خدمت به شریعت است». حال آن که، علّت اصلی این جنگ، عداوت سیاسی- مذهبی عثمانیان سَنَی مذهب با شیعیان و آزادی-خواهی، استقلال طلبی و عدم سرسپردگی شیعیان در مقابل ظلم و جور پاشاهای شام بود.

با این همه، آنچه شعله‌های قیام شیعیان را مشتعل ساخت، تحمیل مالیات‌های سنگین دولت عثمانی بر آنان برای تقویت قوای نظامی‌شان بود که فشار بی‌امان و فقر گسترده شیعیان و دیگر طبقات فرودست لبنان را در پی داشت. از این رو، آل حَرافِشَه در بعلبک و بقاع و آل-حَمّاده در جبل لبنان از پرداخت آن ممانعت ورزیدند و شیعیان جبل لبنان در ۱۰۶۳ق به فرماندهی سِرْحانِ حَمّادی به حِصنِ اَکْراد، صَنِیه و دیگر مناطق تحت سلطه عثمانیان یورش برده و با کشتار شمار زیادی از رجال‌شان از جمله، خواهرزاده پاشای طرابلس، از عثمانیان انتقام گرفتند (بابا، ۱۹۹۵، ص ۱۸۹؛ نیز کردعلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۷۱).

از گزارش بطریک مارونی، سرکنسولگری فرانسه در بیروت، خطاب به کشورهای اروپایی وقت در این دوره، به خوبی بر می‌آید که تَعَدّی شیعیان حَمّادی به مسلمانان و دیگر اتهامات دولت عثمانی بدانان از جمله سرقت، غارت و تَمَرّد، ادّعای ناروایی بیش نبوده و آنان از این طریق می‌خواستند جواز برخورد و فشار حداکثری بر شیعیان را در انظار عمومی دریافت کنند. چه، نه تنها این اتهامات درست نبوده، بلکه آل حَمّاده ضمن تسامح و مدارا، کمک‌های بسیاری نیز به مارونیانی که در مناطق تحت قلمروشان سکونت داشتند، کرده بودند (Arvieux, p 270- 271؛ نیز زنده، ۲۰۰۱، ص ۶۵). از این رو، به هنگام اصرار مستمر دولت عثمانی بر افزایش ضرایب مالیاتی، بزرگان حَمّادی در شهر حَدَث گرد آمده و مردم را به عدم پرداخت مالیات و الزام عثمانیان بر معافیت کامل آن تشویق کردند. به همین دلیل، فرمانده لشکر ترکان عثمانی که عملیات حمله به اقصی نقاط شیعی نشین را هدایت می‌کرد، دستور داد تمامی دارایی‌های منقول و غیر منقول شیعیان از نقدی، کالا، چارپا و غیره را ضبط و مصادره کنند. این امر، باعث شد که شعله‌های جنگ حدود ۱۵ سال میان شیعیان عاملی و دولت عثمانی شعله‌ور شود و لشکر به تقریب ۵۰ هزار نفری عثمانی در مقابل صد و آندی مبارز شیعی که تنها در «فنون کَرّ و فَرّ جنگی خبره بودند» بارها به جنگ برخیزند. در این جنگها، شیعیان که اغلب از رویارویی مستقیم با آنان ناتوان بودند، ناگزیر به عملیات دفاعی چریکی روی می‌آوردند؛ نمونه‌هایی از آن را می‌توان در جنگ‌های «عینِ باطنیه»، «عینِ قَبَل» و «فَرَزَل» مشاهده کرد (شهابی، ۱۹۹۳، ص ۸۷۲؛ ابوحسین، ۲۰۰۵، ص ۶۲-۶۳؛ Arvieux, p 432- 435)؛ شعله‌های نخستین نبرد در سال ۱۰۶۵ق مشتعل شد

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۴۵

و والی عثمانی طرابلس، علی پاشا، به همراه متحدانش در شام به جنگ در مقابل امیر شدید حرفوشی که به امیر احمد معنی پناه برده بود، ایستادند. با این همه، امیر حرفوشی به دلیل عدم یارای ایستادگی ناگزیر نزد آل‌حمّاده در بلاد جبیل گریخت و پاشای عثمانی با سوزاندن روستاهای عاقُورَه که از سکونت‌گاه‌های آل‌حرفوش بود، از حرافِشَه به شدت انتقام گرفت. آنان بدین امر اکتفا نکردند، بلکه در سال‌های ۱۰۷۲-۱۰۷۳ ق در نبردی به نام «فَرَزَل» به کَرَات به مناطق شیعی‌نشین آل‌حمّاده حمله‌ور شدند و ضمن غارت و کشتار، به روستاها و شهرهای بقاع، بعلبک، جبل‌عامل و لبنان آسیب‌های بسیاری وارد ساختند (حمّاده، ۲۰۰۵، ص ۳۵۵، ۵۳۱، ۵-۱۱). در آخرین نبردی که در سال ۱۰۷۴ ق رخ داد و به «عینِ قِبَعَل» مشهور شد، علی پاشا والی طرابلس به شیعیان آل‌سیرحان در جبال طرابلس حمله برد؛ چه، آنان به امیر احمد معنی دستِ دوستی و هم‌پیمانی داده، از کمک‌های طوایف دروزی معنی برخوردار شده بودند. از این رو، عثمانیان با فرستادن سفیری به سوی معنیان آنان را تهدید کرده، از این کار بازداشتند. در این نبرد که صدر اعظم عثمانیان نیز حضور داشت، بزرگان خاندان سیرحان و حمّاده با همراهی دروزیان معنی، قوای عثمانی را شکست داده و با قتل برخی عمّال عثمانی از آنان به شدت انتقام کشیدند. این شکست در قلمرو امپراطوری عثمانی سر و صدای بسیاری ایجاد کرد و امیر احمد معنی را مسئول آن و شایسته عقوبت دانستند. چه، آنان عقیده داشته و گزارش کرده بودند که، «وی در جبال صیدا و بیروت مستقر است و کاری جز کمک به قزلباشانِ مغضوب انجام نمی‌دهد و اگر عقوبت نشود، شر و فتنه فساد وی در جبال طرابلس و لبنان متوقف نخواهد شد» (همو، ص ۵-۳۴، ۱۱، ۳۷، ۴۲، ۱۰۵).

تلاش و سیاست‌های عثمانیان برای جلوگیری از اتحاد دروزی- شیعی

دولت عثمانی به محض مشاهده همکاری و هم‌پیمانی میان معنیان دروزی با شیعیان حمّادی و تیره‌های آنان در نبرد «عینِ قِبَعَل» و شکست لشکریانش، از عاقبت خویش بیمناک شده، کوشید طوایف لبنانی به‌ویژه دروزیان را در جنگ بر ضد شیعیان حمّادی در جبل لبنان، صیدا، و باقی ولایات دخالت دهد و از این طریق از اتحاد منسجم دروزی- شیعی که عواقب خطرناکی در پی داشت، جلوگیری کند. از این رو، به هنگام جنگ با شیعیان حمّادی در

جبل لبنان، نخست، پاشاهای دمشق، طرابلس، صیدا، حمص و صفد را فرا خواندند و سپس، فرمان شدیداللحنی همراه با تهدید برای امیر احمد معنی فرستادند تا بدیشان در قلع و قمع شیعیان، به‌ویژه شیعیان طرابلس، امیر شدید بن حرفوش و شیعیان آل هراطقه که همواره به بعلبک هجوم می‌بردند، یاری رسانند. بخشی از فرمان چنین است: «بر حذر باش ... اگر واقف شویم که از فرمان مان سرپیچی یا مجرمی را نزدت مخفی کردی، عقوبت شکننده و غضب سلطانی چنانست که در خبر پدرت بوده است»^۱ (همو، ص ۵۳۱). احمد معنی به این درخواست عثمانیان پاسخی نداد، اما در نبرد «قُمَهز» در کنار آل حَمَّادَه در جبهه واحدی قرار گرفت و از ورود قوای عثمانی به مناطق، خانه‌ها و غارت‌ها و غارت‌های شان جلوگیری کرد (دویهی، ۱۹۷۶، ص ۵۵۰-۵۵۱). به همین دلیل، پاشای عثمانی دمشق در فواصل ۱۰۷۲-۱۰۷۳ق بارها به باب عالی نامه نوشت و کمک‌های احمد معنی به آل حَمَّادَه را گزارش داد (همو، ص ۵۷۲؛ شهابی، ۱۹۹۳، ص ۸۷۶). هنگامی که دولت عثمانی خطر نزدیکی شیعیان با دروزیان را دریافت و نتوانست آنان را تحت سلطه خویش در آورَد، کوشید میان حَمَّادیان و معنیان اختلاف افکند و از این رو، مسئولیت سرپرستی طوایف و ولایات آل حَمَّادَه و جمع‌آوری مالیات‌های آنان را به بهانه کاستن از بار زحمات عثمانیان، به امیر احمد معنی واگذار کرد و به نتایج چشمگیری منجر شد؛ هدف عثمانیان از این اقدام، کشاندن امیر احمد به نزاع با حَمَّادیان و خلاصی از شر حَمَّادیان از طریق معنیان بود که هرگز زیر بار مالیات‌های دولت عثمانی نمی‌رفتند. با این همه، معنیان از خوف عقوبت باب عالی به طور مقطعی موضعی خنثی گرفته، در لشکرکشی‌های قوای عثمانی به مواضع شیعیان در جبل عامل، بدیشان کمکی نکردند (شهابی، ۱۹۹۳، ص ۸۷۶؛ دویهی، ۱۹۷۶، ص ۵۷۲-۵۷۳). از سوی دیگر، امیر احمد معنی که از هدف پیشنهاد پاشای عثمانی به نیکی آگاه بود، از پذیرش سرپرستی و امارت بر نقاط شیعی نشین حَمَّادی امتناع و به اطاعت از عثمانیان تظاهر کرد. چه، وی سابقه برخورد دهشتناک امپراتوری عثمانی با اکثر امرای خاندانش از جمله، قُرُقَمَاز، فخرالدین دُوم و شماری دیگر از معنیان که به خدعه آنان گرفتار آمده و کشته

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۴۶

۱. مقصود برخورد شدید عثمانیان با امیر فخرالدین دوم معنی به هنگام تمرد بر ضد عثمانیان و اعلام خودمختاری سیاسی‌اش در لبنان بوده است.

شده بودند را به نیکی می‌دانست (محبی، ۱۹۷۰، ج ۴، ص ۴۰۹؛ نیز نک: موندریل، ۲۰۱۵، ص ۵۷-۵۸).

با این همه، ارسال اخبار شکست ارسال پاشا، والی عثمانی طرابلس، از شیعیان در جنگ «عینِ قَبَل» و مجهّز شدن قوای شیعی شیخ اسماعیل حَمّاده به همراهی برادران و مردان مبارزش توسط معنیاں به باب عالی، تردید عثمانیاں را به یقین تبدیل کرد که امیر احمد معنی نه تنها به فشارهای بسیار عثمانیاں پاسخ نخواهد داد، بلکه در کنار شورشیان شیعی ایستاده و در خفا از آنان حمایت می‌کند. بنابراین، عثمانیاں در این برهه زمانی تنها راه سرکوبی قیام‌های شیعی را در خلاصی از دست امیر احمد معنی یافتند. به همین خاطر، دولت عثمانی بر وی خشمگین شد و او را از حکومت جبلِ دروز/شوف برکنار کرد و با فرمان‌هایی شدیدالحن خطاب به والی صیدا در ۱۰۷۵ق و ۱۰۷۶ق از آل معنی و عموزادگان‌شان آل‌شهاب به «شورش» یاد کرد و سرکوبی احمد معنی، ویرانی قلعه معنیاں و ریشه‌کن ساختن ایل و تبارشان را اولی و اوجب دانست. آخرین هشدار به احمد معنی در ۱۰۷۷ق صورت گرفت که به عثمانیاں گزارش کرده بودند، «وی (احمد معنی) به قزلباشان/شیعیانی که به رهگذران و زارعان در جبال سِرْحانِ طرابلس یورش می‌بَرند و باعث رعب و وحشت آنان شده‌اند، کمک کرده است». از این رو، پاشاهای دمشق، صیدا، غَزّه و حلب به همراهی قوای ارسال پاشا، والی طرابلس، بر ضد امیر معنی اتحادیه‌ای تشکیل داده و به دستور عثمانیاں هفت امارتِ شُوف، جُرد، اَلْمَتَن، اَلْغَرْب، کَسْرَوَان، اِقْلیمِ جَزَین و خَرُوب را از وی ستاندند و به امیر موسی بن علم‌الدین معنی که از طایفه دروزیاں یمنی و رقیب سیاسی وی بود، واگذاشتند. امیر احمد معنی که می‌دانست پس از عزل از قدرت سیاسی روزگار دشواری را پیش رو خواهد داشت، ناگزیر برای حفظ جان‌ش گریخت. سرانجام، با مرگ وی در ۱۰۷۸ق، سلاله معنیاں از جبلِ دروز برافتاد و دیگر بار، عثمانیاں به تجدید قدرت‌شان در نقاط تحت سلطه معنیاں و بازیابی سلطه‌اشان بر خاندان‌های شیعی ساکن در این مناطق پرداختند (حَمّاده، ۲۰۰۸، ص ۱۰۸، ۵۳۱؛ نیز نک: ابو‌حسین، ۲۰۰۵، ص ۹۲-۹۳؛ شرف، ۱۹۹۶، ص ۳۵۹).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

نتیجه

سلاطین عثمانی به دلیل هراس از نقش و جایگاه خاندان‌های شیعی در تحولات سیاسی- مذهبی شام و احتمال استقلال طلبی و پیوستن آنان به دشمن شان حکومت صفوی، با تدبیر خاندان محلی مُطیع غیر شیعی آل معن را بر مناطق مهم شیعی نشین جبل عامل، جبل لبنان، بعلبک و بقاع گماشتند؛ در راس این خاندان امیر فخرالدین دوم به دلیل بیشترین یورش‌ها به مناطق مذکور در فاصله ۹۹۳-۱۰۴۳ق مشهور شد. با این همه، وی در این حملات، تثبیت قدرت سیاسی- مذهبی عثمانیان را نمی‌جست، بلکه در صدد وصول به هدف بلندش یعنی کسب خودمختاری لبنان بود. به دیگر سخن، وی ظاهراً برای اجرای مطامع حکومت عثمانی می‌کوشید و در نهان، برای سقوطشان برنامه‌ها طراحی می‌کرد؛ این برنامه‌ها بسته به شرایط سیاسی- اجتماعی شام، سیاست موازی کاملاً دوسویه‌ای، دشمنی آشکارا با خاندان‌های شیعی و محافظه‌کارانه با عثمانیان بود. وی با هدف خشنودسازی عثمانیان از یک سو، شیعیان را از سکونتگاه‌هایشان در شام بیرون راند و بخش‌هایی از آنها را به مارونیان اختصاص داد. از سوی دیگر، با سامان‌دهی تشکیلات برید، انعقاد قراردادهای سیاسی، نظامی و تجاری با برخی دول اروپایی و کوتاه‌سازی دست پاشاهای عثمانی از لبنان و شوف/ جبل دروز در راستای ایجاد خودمختاری لبنان و سقوط عثمانیان تلاش‌ها کرد.

از خوش اقبالی امیر معنیان رویارویی‌های مستمر صفویان با عثمانیان و تبلیغات دینی علمای عاملی برای مذهب تشیع جهت بسط قدرت صفویان در مناطق شیعی شام، منجر به تهدید موقعیت سیاسی- مذهبی عثمانیان و در نتیجه، واگذاری امارت‌های شیعی نشین صَمد، صیدا، بیروت و کسروان به امیر معنی برای اختلاف‌افکنی میان طوایف شیعی و یا حذف و قلع و قمع آنان شد. به رغم توفیق‌های چشمگیر امیر فخرالدین دوم در سرکوبی شیعیان، عثمانیان وی را پس از افشای انعقاد قرارداد سیاسی- نظامی محرمانه با دول اروپایی از صحنه قدرت حذف کردند و برای انتقام‌گیری از طوایف دروزی قیسی معنی که امیر فخرالدین را بر ضدشان یاری داده بودند، از سویی دروزیان شاخه یمنی را برکشیدند و از دیگر سو، در تضعیف قدرت معنیان و اختلاف‌افکنی میان دروزیان کوشیدند. به علاوه، آنان به دلیل خوف از همگرایی معنیان دروزی با شیعیان، سیاست‌های مذهبی‌شان را در ارتباط با

شیعیانِ جبل‌عامل، جبل‌لبنان، بعلبک و بقاع نیز تغییر دادند، بدین گونه که در گام نخست، برای مقابله با آنان جبل‌عامل را تابع ولایت پاشانشین صیدا قرار دادند تا مستقیماً با هر گونه فعالیت و تحرکات سیاسی- مذهبی شیعیان برخورد نظامی کند. در گام دوم، عثمانیان با هوشمندی به احمد معنی برای نظارت بر جبل‌عامل اختیارات تام داده، وی را به عنوان مسئول گردآوری مالیات شیعیانِ عاملی گماشتند تا وی را با آنان درگیر سازد و از اتحاد معنی/دروزی- شیعی جلوگیری کند و به نیکی از عهده این کار برآمدند. از پیامدهای ناگوار این اقدام، پرداختن مالیات توسط شیعیان و وقوع جنگ‌هایی مستمر میان آنان با معنیان تا زمان انقراض حکومت‌شان بود. گام سوم، جنگ همه‌جانبه دولت عثمانی بر ضد شیعیان بقاع، جبل‌عامل و جبل‌لبنان بود که به دلیل مقاومت شیعیان ۱۵ سال طول کشید و در نهایت، به هم‌پیمانی شیعیان با امیراحمد معنی منجر گردید. دولت عثمانی به محض مشاهده همکاری میان معنیانِ دروزی با شیعیان و ناکامی در این برهه زمانی، سیاستی دگرگزید و تنها راه سرکوبی قیام‌های شیعی و دروزیان را در عزل امیر احمد معنی در ۱۰۷۸ق و سقوط معنیان یافت. سرانجام، با برافتادن سلاله معنیان از جبل‌دروز، شیعیانِ عاملی نیز هم‌پیمان ارزشمندشان را از دست دادند و عثمانیان به بازیابی قدرت‌شان در قلمرو دروزیان و شیعی ساکن در جبل‌عامل، جبل‌لبنان، بعلبک، بقاع و جبل‌شوف پرداختند.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

منابع

- آشوری، داریوش دانشنامه سیاسی، تهران، نشر سهروردی و مروارید، ۱۳۶۶ ش.
- آل صفا، محمد جابر، تاریخ جبل عامل، دارالنهار للنشر، بیروت، ۱۹۸۱ م.
- ابکار یوس، اسکندر بن یعقوب، نوادر الزمان في وقایع جبل لبنان، به کوشش عبدالکریم ابراهیم سمک، لندن، ۱۹۸۴ م.
- ابن حمصی، احمد بن محمد بن عمر، حوادث الزمان و وفیات الشیوخ و الاقران، بیروت، المكتبة العصرية، بی تا.
- ابوحسین، عبدالرحیم، لبنان و الامارة الدرزية في العهد العثماني وثائق دفتر المهمة ۱۵۴۶ - ۱۷۱۱، بیروت، دار النهار للنشر، ۲۰۰۵ م.
- ابی حلقه، فضل الله، الجغرافية التاريخية للبنان و سوريا و فلسطين، بیبلوس، ۲۰۰۵ م.
- احذب، عزیز، فخرالدين الكبير، بیروت، ۱۹۷۳ م.
- بابا، محمد، طرابلس في التاريخ، جروس برس، ۱۹۹۵ م.
- بازلی، قسطنطین، سوريا و لبنان و فلسطين تحت الحكم التركي، دارالحدائث، بیروت، ۱۹۸۸ م.
- بولس، جواد، تاریخ لبنان، بیروت، ۱۹۷۲ م.
- حتونی، خوری، نبذة تاريخية في المقاطعة الكسروانية، به کوشش عبود، دارمارون عبود، ۱۹۸۷ م.
- حتی، فیلیپ، لبنان في التاريخ، بیروت، ۱۹۵۹ م.
- حمّاده، سعدون، تاریخ الشيعة في لبنان، بیروت، دار الخيال، ۲۰۰۸ م.
- درویش، علی ابراهیم، جبل عامل بين ۱۵۱۶ - ۱۶۹۷، بیروت، دارالهادی، ۱۹۹۳ م.
- دویهی، اسطفان، تاریخ الازمنة، به کوشش بطرس فهد، بیروت، ۱۹۷۶ م.
- رعد، مارون، لبنان من الامارة الى المتصرفية ۱۸۴۰ - ۱۸۶۱ عهد القائمقاميتين، بی جا، ۱۹۹۳ م.
- زغیب، خوری، عوده النصارى الى جرود كسروان، قاهره، مطبعة المقتطف و المقطم و جروس بروس، ۱۹۸۰، ۱۹۲۲ م.
- زنده، اب اغسطين، التاريخ اللبناني، جامعة روح القدس، ۲۰۰۱ م.
- زین، شیخ علی، فصول من تاریخ الشيعة في لبنان، بیروت، دارالفکر الحديث، ۱۹۸۸ م.
- شدیاق، طنوس، اخبار الاعيان في جبل لبنان، به کوشش رعد و بستانی، بیروت، ۱۸۵۹، ۱۹۷۰ و ۱۹۹۵.

پژوهشنامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

پژوهشنامه تاريخ تشيع

دوره جديد، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۵۱

- شرف، جان، الايديولوجيه المجتمعيه، بيروت، الجمعيه اللبنانيه، ۱۹۹۶م.
- شهابي، اميرحيدر (۱۹۶۹). ج ۱ و ۲ لبنان في عهد الامراء الشهابيين (الغرر الحسان في اخبار ابناء الزمان)، به كوشش فواد افرام بستاني و اسد رستم، بيروت، ج ۳ و ۴، تاريخ الاميرحيدر احمد الشهابي، به كوشش مارون رعد، بيروت، ۱۹۹۳م.
- صفدي، احمدبن محمد، لبنان في عهد الامير فخرالدين المعنى الثاني (تاريخ الامير فخرالدين المعنى الثاني)، به كوشش بستاني و رستم، بيروت، ۱۹۶۹م.
- صليبي، كمال، تاريخ لبنان الحديث، بيروت، ۱۹۹۱م.
- طلوعى، محمود، فرهنگ جامع سياسى، تهران، ۱۳۷۲.
- فقيه، محمدتقى، جبل عامل في التاريخ، بيروت، دار الاضواء، ۱۹۴۷م.
- فوستنفلد، هنرى، فخرالدين امير الدروز و معاصروه، ترجمه بطرس شلفون، بيروت، دارلحد خاطر، ۱۹۸۱م.
- قرالى، بولس، فخرالدين المعنى الثاني امير لبنان ادارته و سياسته، حريصا، ۱۹۳۷م.
- همو، فخرالدين المعنى الثاني امير لبنان و فرديناندو الثاني امير توسكنا، حريصا، ۱۹۳۸م.
- كردعلى، محمد، خطط الشام، بيروت، دارالعلم للملايين، ۱۴۰۳ق.
- كوثرانى، وجيه، الاتجاهات الاجتماعيه السياسيه في جبل لبنان و المشرق العربى ۱۸۶۰-۱۹۲۰، بيروت، ۱۹۷۶م.
- ماريتى، جيوفانى، تاريخ فخرالدين اميرالدروز الكبير، ترجمه بطرس شلفون، بيروت، ۱۹۹۵م.
- محبى، محمدامين، خلاصه الاثر في اعيان القرن الحادى عشر، بيروت، مكتبه خياط، ۱۹۷۰م.
- مجهول المؤلف، تاريخ الامراء الشهابيين، بيروت، بى نا، ۱۹۷۱م.
- معلوف، عيسى، تاريخ الامير فخرالدين المعنى الثاني، حاكم لبنان من سنه ۱۵۹۰ الى سنه ۱۶۳۵م، بيروت، المطبعه الكاثوليكيه، ۱۹۶۹م.
- موندريل، هنرى، رحله من حلب إلى القدس، بى نا، ۲۰۱۵م.
- يازجى، ناصيف، رساله تاريخيه في احوال جبل لبنان الاقطاعى، به كوشش محمدخليل باشا و رياض- حسين غنام، بى جا، بى تا.

تأثیر سیاست‌های امیر فخرالدین دوم معنی بر رویکرد عثمانیان در رویارویی با شیعیان و دروزیان شام

- Arvieux, *Memoires du chevalier Laurent D' arvieux* (1615- 1702), Beirut, Dar lahad khater.
- Ismail, Adel, *Histoire du liban du XVIII siècle a nos jours*, Paris.
- Salibi, Kamal, *A House of Mansions*, London, 1989.
- *The Times comprehensive atlas of the world*, London, Times books, 2005.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴

۵۲